

لغات و زبانهای عالم

ترجمه : جناب غلام جیلانی جلالی

ترجمه از الہلال مصر

لغات و السنہ عالم بدو قسمت بزرگ سوا میشود (مترقی) (و غیر مترقی) که اخیر الذکر از ادنای لغات و شامل است بزبانهای زنگی ساکنین

افریقای جنوبی و زبان ہنود امریکہ و لغات چینی و دیگر السنہ کہ از یک مقطع ترکیب گردیدہ اسم ، فعل و حرف آن با ہم فرق کردہ نمیشود . اما قسم نخستین آن یعنی السنہ مترقی بسہ حصہ بزرگ سامی ، آریہ ، تورانی تقسیم شدہ از انجملہ زبانهای تورانی بالسنہ مغولی ، تنقاسی و اغررانی مشتمل است کہ آردا زبانهای غیر قابل تصرف ہم میگویند ، زیرا الفاظ این زبانها قابل تعریف نبودہ بلکہ اشتقاق آن بسبب اضافت زوایدی ممکن شدہ میتواند کہ بر اصل مادہ فعل علاوہ شود ، راقی ترین زبانهای این قسمت لسانی تورکی است .
زبانهای آریہ : السنہ آریہ عبارت است از زبانهای اروپا ، ہند ، فارس ، افغانستان ، کردستان ، لغات آریہ بدو حصہ کلان تقسیم شدہ : جنوبی و شمالی ، از انجملہ شق جنوبی آن عبارت است از زبانهای جنوبی آسیا کہ شامل سنسکرت و فروع آن زبان ہندی ، فارسی ، افغانی ، کردی ، بخاری ، ارمنی ، اورستانی ، می باشد (۱) .

(۱) نویسنده مقالہ تمام السنہ جنوبی آسیا را فرع سنسکرت نام بردہ حال اینکہ نظر بہ تحقیقات علمای تاریخ و آثار کہ شرح آن در سالنامہ کابل بقلم جناب فاضل (اعظمی) و جناب (زمزلای) نشر شدہ زبان افغانی در ذات خود مستقل و شعبہ ایست از زبان قدیم (باختر) کہ بلخ قدیم مرکز این زبان بودہ نیز کھوارہ برورش آریہ و اہالی آن است .

شق شمالی آریه : مراد از زبانهای اروپائی است که به پنج حصه ذیل جدا میشود :

۱ - کلیتی که باستثنای انگلیسی عبارت است از زبانهای جزایر برطانیه .

۲ - ایتالیائی که زبان لاتین و فروع آن زبان فرانسوی ، ایتالوی ، اسپانیولی ، پرتگالی از آنجمله است .

۳ - هیلینی یا یونانی : که در آن زبان جدید و قدیم یونان شمولیت دارد

۴ - وندی . که زبان روسیا ، بنغاریا ، بوهمیا از آنجمله است .

۵ - تیوتونی : که زبان انگلیسی ، جرمنی ، هالندی ، دنمارک ، ایسلاندا درین قسمت شامل است .

از صفات ممیزه لغات آریه است : که تماماً از اصول قابل تصریف ترکیب شده و اشتقاق در آن بوسیله اسامی ادواتی حاصل میگردد که غالباً دارای معانی مستقل هم میباشد ، این ادوات اکثراً در آخر اصل و بعضاً در ابتدای آن الحاق میگرددند مثال آن در انگلیسی اینست : thank بمعنی شکر کردن از آنجمله Thankful متشکر ، شکور و بسیار شکرگو - بعد از آن Un thank ful غیر متشکر یا غیر شاکر سپس unthankfulness عدم شکر یا عدم شکر .

همینا Capable بسنده یا قادر incapable غیر کافی یا غیر قادر incapabilty

عدم بسندگی - همچنان در سایر تصریفات لغات آریه این قانون جریان دارد (۱)

لغات سامی : زبانهای سامی بسبب اینکه اکثر متکلمین آن به نسل سام بن

نوح (ع) منسوب میشوند سامی گفته شده و زبانهای آن السنه شرقی هم خوانده می شود .

این حصه لغات بسبب اینکه زبان عربی در ردیف آن واقع شده از حیث بیان

(۱) مثلاً در افتاقی لیکل بمعنی نوشتن لیکونکی ؛ نویسنده ، غوره لیکونکی ، نویسنده یارز .
هیک ، عدم نوشته ، نه لیکونکی ، نه نوشته .

و وسعت و کثرت الفاظ و دقت تعبیر از راقی ترین زبانهای عالم است و از لحاظ اینکه قدیم ترین خزینه آثار تاریخی بشر شمرده می شود و تورات عبرانی نازل شده در قطار السنه عالم امتیاز دارد همچنان تمدن بابلیها، آنوریها و فنیقیها و دیگرها بمتکلمین این زبان منسوب است.

زبان های سامی به سه حصه سوا میشود :

اول زبان آرامی و فروع آن سریانی و کلدانی .

آرامی زبان قدیم بابل است که کتیبه های آن بر بحروف اسفینی و انباری در آثار و بقایای بابل و آنور منقور و منقوش است .

کلدانی عیناً فرعی است از آرامی اما چون این زبان بسیار تر مورد بازیچه لیل و نهار روزگار واقع گردیده بعضی الفاظ آن تغییر یافته است و برخی اسفار عهد قدیم مانند سفر حضرت دانیال (ع) و غیره باین زبان نازل شده و مستقلاً ذکر این زبان بنام آرامی کمال بی تعمقی است زیرا در مابین این لغت و زبان اصلی آرامی در لفظ و معنی فرق واضحی موجود است و نظر به لغت بابل زبان آنور از آن دور تر است .

آنچه در مابین سریانیها بنام زبان کلدانی یاد میشود با تغییر حرکات عیناً زبان سریانی است و سریانی نیز با تغییر الفاظ و افا داتی که بر حسب اقتضای زمان در آن واقع شده ذاتاً کلدانی مشارالیهها است. پس میتوان ادعا نمود که زبان قدیم بابل در ابتدای امر بنام آرامی یاد می شد بعد از آن بسبب اندک تغییر کلدانی خوانده شد سپس تغییر دیگری در آن وارد آمده بسریانی موسوم گردید . متعاقباً در سریانی هم بعضی تنوع حرکات بوجود آمده بسریانی غربی و سریانی شرقی منشعب شد .

لغت آرامی اصلی را برخی کتیبه های معتبر تاریخی که در بقایای بابل و آنور بدست آمده معرفی میکند.

و زبان سریانی بسبب ترجمه کتاب مقدسیکه در قرن دوم بعد المسیح (ع) بعمل آمده و ترجمه (سیطه) شهرت دارد محفوظ است.

دوم عبرانی: این زبان بسبب حفظ تاریخ قدیم و نزول توراة شریف امتیاز دارد نیز متکلمین این زبان از واضح ترین ملل عالمند.

زبانیکه امروز اسرائیلیها بآن متکلمند عبرانی خالص نیست بلکه بزمان اسارت آنها در بابل بعضی الفاظ آرامی و کلدانی بابلیها بآن مخلوط شده ولی محور تمام مؤلفات این زبان همان عهد قدیم است که فیثیقی و قرطجی را هم ازان منشعب باید دانست و اکنون هر دو زبان اخیر الذکر مرده اند.

سوم عربی: این زبان از بلندترین زبانهای سامی است.

عربی در زمانه های ما قبل الاسلام در شبه جزیره نمای عرب محصور بود ولی این زبان از آغاز ظهور دیانت مقدس اسلامی به نشر و وضعت خود شروع نموده بسبب فتوحات مشهور اسلامی بیشتر حصص معمور عالم را معمور گردانید و روزی از وسط هند تا بوغاز جبل الطارق شرقاً و غرباً و از بحر سیاه تا بحر عرب شمالاً و جنوباً در تمام متمدن آنوقت عمومیت داشت.

حروف عربی در نزد عجمی ها نیز مستعمل است بلکه بعضی از آنها مانند آنار غیر قابل تغییر قرار یافته زبان حالیه بلاد حبشه هم فرعی است از عربی و فروع آن حالا چندان دارای اهمیت نیستند.

خلاصه قرآن عظیم نگذاشت تا این زبان مانند دیگر زبانها مورد تغییرات واقع شده بشعبات سوا شود.

